بررسی رفتار صدا و سیما به بهانه حذف سروش صحت در گفت‌وگو با کارشناسان

چه چیزی مورد تأیید است؟

بهناز شیربانی: سروش صحت از اجرای برنامه «کتاب باز» کنار گذاشته شد. سیدعبدالجواد موسوی، نویسنده و روزنامه‌نگار که خود نیز یک بار میهمان برنامه «کتاب باز» بوده، در یادداشتی که برای خبرآنلاین نوشته، مدعی حذف سروش صحت از این برنامه تلویزیونی به دلیل روشنفکری شده است. «کتاب باز» برنامه‌ای است که پخش آن شش سال پیش از شبکه نسیم آغاز شد که اساس و ساختار آن درباره کتاب و کتابخوانی است. برنامه‌ای که در هر قسمت میزبان چهره‌ای از اهالی فرهنگ و هنر است و تاکنون پنج فصل از این برنامه پخش شده است.

موسوی در بخشی از یادداشت خود درباره چرایی عدم حضور صحت در برنامه «کتاب باز» نوشته است: «ظاهرا هفت هشت ماهی است که برنامه «کتاب باز» پخش نمی‌شود و آن‌طور که من شنیده‌ام، به تواتر و از قول آدم‌های مورد اطمینان، مشکل برنامه، سروش صحت است. گیر داده‌اند به سروش صحت و باز آن‌طورکه دوستان می‌گویند، سروش صحت متهم است به روشنفکری و دوستان می‌خواهند به جای ایشان کسی مثل آقای یامین‌پور را جایگزین کنند که در زمره نیروهای ارزشی محسوب می‌شود. من یک بار در برنامه «کتاب باز» حضور پیدا کرده‌ام و علاوه بر این چند باری هم برنامه‌های آقای سروش را دیده‌ام. از خیلی‌هایی که به تلویزیون علاقه چندانی ندارند بارها و بارها شنیده‌ام که برنامه «کتاب باز» را دنبال می‌کنند و باز از قول همان‌ها شنیده‌ام که نقطه قوت برنامه را حضور صمیمی سروش صحت می‌دانند. چند نفر از دوستان من هم در این برنامه شرکت داشته‌اند. با این حال تا به امروز نشنیده‌ام کسی سروش صحت را روشنفکر خطاب کند. احتمالا منظور دوستان از روشنفکر در این مورد خاص گرایش‌های سیاسی و فرهنگی سروش صحت باشد اما تا آنجا که من دیده‌ام و شناختی که از سروش صحت دارم این حرف‌ها در مورد او بی‌ربط است».

اما وحید یامین‌پور، نویسنده و مجری تلویزیون که احتمال حضورش به جای سروش صحت مطرح شده، در واکنش به این حواشی توییتی منتشر کرد و نوشت: «مزخرفه من از طرفداران اجرای سروش هستم و پیگیر بودم که کتاب باز دوباره بره روی آنتن. تهیه‌کننده‌اش هم زنگ زد و گفت نمی‌دونم این دروغ رو کی رسانه‌ای کرد».

از سوی دیگر، محمدرضا خوشرو مدیر شبکه نسیم در گفت‌وگو با ایسنا درباره علت تعطیلی «کتاب باز» با اجرای سروش صحت و بازگشت این برنامه به آنتن، گفت: «طبیعتا همه برندها و برنامه‌های پرمخاطب سازمان سرمایه‌های صداوسیما هستند که هم برای حفظشان برنامه‌ریزی خواهد شد و هم برای ارتقای فرمی و محتوایی‌شان. اتاق فکرهایی در شبکه وجود دارند که تأملات را انجام می‌دهند که چگونه فرم و محتوای برنامه ارتقا پیدا کند تا در این دوره جدید که در سازمان هستیم هم کیفیت برنامه بهتر شود و هم از لحاظ محتوایی متفاوت‌تر باشد. این تأخیرها و تأملات به این دلیل است و هیچ اتفاقی برای هیچ‌کدام از برندهای سازمان به ویژه برنامه «کتاب باز» در شبکه نسیم نیفتاده است».

او ادامه داد: «برنامه «کتاب باز» به جهت اینکه فصل گذشته ۲۲۰ قسمتِ نفس‌گیر را داشته، در حال حاضر در دوره استراحت به سر می‌برد. حال در این تایم استراحت، اتفاقاتی هم در سازمان صداوسیما افتاده مبنی بر دوره تحول محتوایی که آن را در پیش داریم. یک برنامه، مجموعه‌ای از عوامل را شامل می‌شود. آقای صحت هم در چند فصل از برنامه حضور داشتند و زحمات زیادی کشیدند و در حال حاضر نیز در فضای آثار نمایشی مشغول کار هستند. ایشان از سرمایه‌های تلویزیون و سینما هستند و از نظر حضور شخصِ ایشان مشکلی نیست؛ بلکه بحث به لحاظ فرمی و محتوایی است که بررسی‌هایَی اتفاق می‌افتد که بتوانیم برنامه را با کیفیت بیشتر و محتوای غنی‌تر تولید کنیم. بر این اساس همه عناصر برنامه‌سازی در این تأملاتی که در اتاق فکر صورت می‌گیرد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند که چگونه این برنامه بهتر از قبل ادامه پیدا کند».

او در بخشی دیگر از صحبت‌هایش گفت: «برنامه «کتاب باز» مجموعه‌ای از عناصر را دارد که مجری یکی از آن عناصر است. قطعا با همکاری تیم تولید و عناصر فعلی برنامه، بررسی و ارتقاها صورت خواهد گرفت. بررسی هم این‌گونه نیست که گروه دیگری آن را انجام دهند، بلکه با یک تعامل مشترک و توسط خود گروه؛ این اتفاق خواهد افتاد».

فارغ از اینکه تصمیم تلویزیون بر تحول محتوایی «کتاب باز» چطور پیش خواهد رفت، اما این اولین بار نیست که خبر حذف چهره‌ای از رسانه ملی بازتاب زیادی پیدا کرده است. در طی سال‌های اخیر کنار گذاشته‌شدن چهره‌هایی که اساسا کارشان را با این رسانه آغاز کرده بودند، بسیاری را شوکه کرد. از جمله عادل فردوسی‌پور که کنار گذاشته‌شدنش، واکنش بسیاری از مخاطبان تلویزیون و دوستدارانش را به همراه داشت.

اگر حذف هم شود، تعجب نمی‌کنم

کیوان کثیریان منتقد سینما، با اشاره به عملکرد تلویزیون در سال‌های اخیر مبنی بر حذف چهره‌ها، به «شرق» گفت: «تلویزیون در سال‌های اخیر اصولا برای کسانی که در این مدیوم چهره شدند و فرزندان رسانه محسوب می‌شوند، از جمله عادل فردوسی‌پور و بسیاری از فیلم‌سازان که برای این رسانه کار می‌کردند و سریال می‌ساختند، به اصطلاح شمشیر را از رو بسته و به نوعی در درون خودش، تسویه ضمنی انجام می‌دهد. مثلا محبوبیت زیاد فردی را برنمی‌تابد. البته این مورد نقیض هم دارد. مثلا مهران مدیری بارها حضورش در تلویزیون محدود شده و بار دیگر برگشته و به این دلیل که او اسپانسر هم دارد، هنوز ارتباطش با تلویزیون وصل است، گرچه در ارتباطش با تلویزیون بارها جدایی اتفاق افتاد و برگشت داشته است. ولی نهایتا گویا تلویزیون علاقه‌ای ندارد تا آدم‌ها از طیف‌های متنوع‌تری در آن حضور داشته باشند. این یکدست‌شدن که مدت‌هاست در ساختار مدیریتی کشور از آن صحبت و البته به عنوان حسن و امتیاز از آن یاد می‌شود، در تلویزیون هم همواره به نوعی بوده و بیشتر از قبل هم وجود دارد. نمی‌دانم که سروش صحت از برنامه «کتاب باز» حذف شده یا خیر؟ و خبرهای ضد و نقیضی هم وجود دارد. اما اگر حذف هم شود، تعجب نمی‌کنم. چراکه روند حرکتی تلویزیون به سمت حذف آدم‌هاست. به‌خصوص برنامه‌هایی که با یک تعادلی و با شکل فراگیرتری در حال تهیه هستند و خیلی خط و ربط سیاسی مورد نظر آنها را منتقل نمی‌کنند. گرچه برنامه «کتاب باز» هم به نظرم برنامه محافظه‌کاری بود و در مورد بسیاری از شعرا و نویسندگان اجازه حرف‌زدن نداشت. ولی ما مجبوریم این سطح از محدودیت را درک کنیم».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «عملا سروش صحت بازیگر و کتابخوان است و به هر حال خوب اجرا می‌کند و برای مخاطب جذاب است. مجموعه برنامه «کتاب باز» تاکنون توانسته در یک هماهنگی قابل توجه، کیفیتی قابل قبول را به عنوان خروجی ارائه بدهد و یک برنامه درباره کتاب ساخته شود که اتفاقا مخاطبان زیادی دارد و این مورد در این برهوت کتاب‌خوانی بسیار باارزش است». کثیریان ادامه داد: «فکر کنید سروش صحت هم از برنامه «کتاب باز» حذف شود، اتفاقی برای او نمی‌افتد. ولی مخاطبانی که با این برنامه به کتاب علاقه‌مند شدند و به کتاب‌خواندن روی آوردند و من به نظرم برنامه مؤثری است، قطعا راضی نخواهند بود. کما اینکه در مورد برنامه «نود» عادل فردوسی‌پور هم همین اتفاق افتاد و کنترل‌گری و تأثیر مثبت رسانه روی وقایع و حوادث در فوتبال از بین رفت و افرادی که تخلف می‌کنند و رانت و سوء مدیریت دارند، خیالشان راحت شد و می‌دانند در نبود برنامه «نود» رسانه‌ای که دست به افشاگری بزند وجود ندارد. در مورد «کتاب باز» هم همین موضوع صدق می‌کند و احتمالا در مورد برنامه‌هایی که وزن کافی را در حوزه خودشان دارند هم این موضوع تکرار خواهد شد».

او افزود: «البته برنامه‌هایی که سبک‌تر هستند یا عمق کافی را ندارند و میزان سرگرمی‌شان زیاد است و بار اندیشگی در حوزه خودشان ندارند، مورد تأیید آقایان هستند. اغلب هم برنامه‌هایی هستند که از نمونه‌های خارجی کپی شده‌اند. برنامه‌هایی که بار آموزندگی در هیچ حوزه‌ای ندارند، کسی به فکر منحل‌کردنشان نیست. حتی برنامه‌هایی که شکل و شمایل دیگری پیدا کردند، مثل برنامه «دورهمی» و عملا اخته شدند و در حیطه سرگرمی و شوخی ساخته می‌شوند، به نظرم از سمت آقایان مورد تأیید هستند. گرچه به نظرم «دورهمی» در گذشته برنامه قابل‌تأمل‌تری بود. اما برنامه «کتاب باز» یک برنامه پرمحتوا بود. میهمان‌ها و آیتم‌های خوبی داشت. می‌بینید که همچنان آیتم‌های «کتاب باز» کاملا در فضای مجازی می‌چرخد و دیده می‌شود. ولی خب، آقایان این شکل از برنامه‌سازی را دوست ندارند و به نظرم رویکرد تلویزیون همین است. به هر حال اینکه برنامه‌های سبک که یک قشر و سطحی از توجه مردم را که خیلی جدی نیست به خودت اختصاص بدهی، آن دانشگاهی نیست که قرار بود تلویزیون باشد. اینکه آدم‌ها با دیدن تلویزیون، چیزی یاد بگیرند کمتر وجود دارد».

هر تغییری باید مبتنی بر خرد جمعی و مخاطب‌شناسی باشد

معصوم نصیری معاون باشگاه مدیریت رسانه و توسعه سواد رسانه‌ای یونسکو ایران نیز در این مورد به «شرق» گفت: «آنچه در راستای تغییرات و تحولات و یا بهتر است بگوییم با این عنوان صورت می‌گیرد، باید بر مبنای بررسی‌های مبتنی بر مخاطب‌شناسی و پیمایش صورت گرفته باشد که این تغییرات ذیل عنوان تحول، بر مبنای علم مخاطب‌شناسی و برنامه‌سازی صورت گرفته و از نگاه سلیقه‌ای و مبتنی بر منافع فاصله گرفته شود. آنچه امروز در قالب تغییرات چهره‌های موفق حوزه‌های مختلف رسانه‌ای که توانسته‌اند در میان مخاطب کسب اعتبار کرده و به سرمایه اجتماعی رسانه مخصوصا رسانه ملی نیز یاری رسانند، اگر مبتنی بر خواست مخاطب و در عین حال دریافت بازخورد منفی در قالب‌های برنامه‌سازی نباشد، اشتباه محاسباتی در ساحت مدیریت رسانه است».

او ادامه داد: «آنچه در نگاه به تجربه زیسته مدیریت برنامه‌سازی در دنیا شاهدیم، رسانه‌های مطرح سعی در ساخت برند و البته حفظ آن برند دارند و مخاطب نیز در این میان احساس ارزشمندی کرده و در عین حال هر روز شاهد قرائت و روایت متفاوت فردی نیست. بنابراین مالکان رسانه می‌دانند برندسازی و تلاش برای حفظ ارزش برند چه فرد باشد و چه برنامه تا چه میزان منجر به جلب مخاطب شده و موفقیت رسانه را نیز تضمین می‌کند. نکته دارای اهمیت این است که هر جایی که مخاطب آن برند و برنامه را پس زده یا نسبت به آن دارای زاویه شود، تغییر منشأ مبتنی بر نظر جمعی و منطق برنامه‌سازی پیدا می‌کند و اساسا هم هیچ نقدی را متوجه این تصمیم نمی‌کند. اما آنجا که پای نگاه سلیقه‌ای و مبتنی بر خواست فردی یا جریانی به میان می‌آید، قطعا منجر به مقاومت ذهنی مخاطبان خواهد شد». او افزود: «تخریب برند ساخته و محبوب شده در عصر تنوع رسانه و محتوا، نوعی خطای استراتژیک قلمداد شده و ریزش عمیق نگاه مخاطبان به عنوان اصلی‌ترین سرمایه یک رسانه را رقم خواهد زد. امروز در عصر تنوع و تکثر رسانه و البته جامعه شبکه‌ای که مخاطب و کاربر با یک کلیک به راحتی می‌تواند در معرض انواع محتوا قرار گرفته و حق انتخاب دارد، مدل‌های حذفی کارساز نبوده و بیشتر منجر به سوق‌دادن افراد به مراجع دیگر رسانه‌ای می‌شود که گاه آن رسانه‌ها اثرات فرهنگی مخرب نیز دارند و منجر به تغییر سبک کنشگری و ذائقه مخاطب نیز می‌شود. اینجا ما به علت عدم صیانت از برند، خواست و نیاز مخاطب و تخریب سرمایه اجتماعی ایجادشده مقصر این کوچ سلیقه‌ای و محتوایی هستیم.

در عصر همه‌گیری و همه‌جایی‌بودن رسانه اولین خطا می‌تواند آخرین نیز قلمداد شود و مخاطب هزاره سوم چندان منتظر جهت‌دهی‌های یک یا چند رسانه باقی نخواهد ماند و از این روست که حفظ مخاطب و جلب نظر و توجه مخاطب محل تنازع کمپانی‌های رسانه‌ای در دنیاست. پس هر تغییری باید مبتنی بر خرد جمعی و مخاطب‌شناسی باشد».

نگاهی به فیلم سینمایی «روز صفر» ساخته سعید ملکان

مأموریت دشوار

مازیار معاونی
منتقد

گزافه نیست اگر سعید ملکان را در ردیف یکی از بداقبال‌ترین سینماگران دهه‌های اخیر قلمداد کنیم؛ سینماگری که پس از سال‌ها فعالیت و تجربه در عرصه‌های چهره‌پردازی و تهیه‌کنندگی که به خلق بسیاری از آثار ارزشمند سینمای ایران انجامیده است، در اولین تجربه کارگردانی‌اش با معضلی به نام همه‌گیری کرونا مواجه شد که نه سینمای ایران بلکه سینمای کل جهان را برای چند ماه از نفس انداخت. «روز صفر» ملکان در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر که به اکران درآمد، توجه بسیاری از کارشناسان تا بینندگان عام سینماهای مردمی جشنواره را به خود جلب کرد. به هر حال فیلم، ساخته اول یک چهره مقبول سینمایی در عرصه‌ای به‌جز کارگردانی به شمار می‌آمد و مثل هر تغییر عرصه کاری دیگری در میان هنرمندان، اشتیاق‌های زیادی را در میان علاقه‌مندان به وجود آورده بود. تعداد بسیاری از علاقه‌مندان نیز که موفق به تماشای اکران محدود جشنواره‌ای نشدند، به اکران عمومی امید بسته بودند که از بداقبالی ملکان و البته تصمیم او و تیم سازنده فیلم در مخالفت با اکران آنلاین، «روز صفر» با یک فاصله زمانی طولانی دوساله به پرده نقره‌ای رسید.

شاخص‌ترین نکته‌ای که پس از تماشای فیلم به ذهن نگارنده خطور کرد، تلاش تحسین‌آمیز کارگردان برای ساخت فیلمی است که می‌توان به‌صراحت از آن به عنوان یک اثر قابل قبول در حوزه آثار امنیتی با مایه‌های پررنگ تعقیب و گریز (اکشن) یاد کرد. با صرف‌نظر از برخی از فرازهای کوتاه و گذار، «روز صفر» از همان آغاز کار تکلیف خود را با تماشاگر روشن می‌کند؛ درست برخلاف بسیاری از آثار دیگر سینمای ایران که ملغمه‌ای از رویکردهای مختلف امنیتی، سیاسی و ایدئولوژیک را در بطن خود دارند و یکدست‌نبودنشان به اغتشاش ذهن بیننده منجر می‌شود، ملکان در اولین ساخته بلندش، تا حدود زیادی به رعایت این مؤلفه مهم دقت کرده تا فیلمش فراتر از بسیاری از آثار مشابه در ذهن بماند. البته نمی‌توان این نکته مهم را نادیده گرفت که «روز صفر» به هر حال فیلمی است که درام آن بر پایه یک رویداد امنیتی و تقابل نیروهای اطلاعاتی (با محوریت رضا/ امیر جدیدی) با یک گروه تروریستی ایدئولوژیک‌محور (به سرکردگی عبدالمالک ریگی/ ساعد سهیلی) استوار شده است؛ یکی از همان گروهک‌هایی که در یکی، دو دهه اخیر در خاورمیانه سر بلند کرده‌اند و با ادعای تقید سفت و سخت به اصول و مبانی به اسلام و کافردانستن دیگر مسلمانان، اقدامات خشن و افراطی بسیاری را مرتکب می‌شوند. وجود چنین دستمایه‌ای در فیلم، به خودی خود جهت‌گیری‌ها و تقابل‌های ایدئولوژیک را در پی دارد که نه می‌توان از کنار آن گذشت و نه حتی نادیده‌گرفتن آن و جهت درام صرفا بر مبنای تقابل‌های امنیتی و مسلحانه گذاشتن، تصمیم درستی می‌توانسته باشد که ملکان و بهرام توکلی (در مقام نویسنده کار) هم به‌درستی این وجوه را در نظر گرفته‌اند.

امیر جدیدی در نقش مأمور امنیتی پرونده دستگیری ریگی، نقش‌آفرینی بسیار خوبی دارد. بازی جدیدی هم درست و به اندازه است و هم واجد ویژگی‌های منحصر به خود اوست؛ امتیازی شایان توجه برای بازیگر جوانی که بدون پیشینه تئاتر و صحنه، اگر دقت کافی را نداشته باشد، خیلی زود به الگوبرداری از دیگر ستاره‌های کنونی و پیشین روی می‌آورد که خوشبختانه در مورد او اتفاق نیفتاده است تا امیر جدیدی پیش از درخشش فوق‌العاده‌اش در فیلم «قهرمان» فرهادی، مقدمه‌ای برای ارائه قابلیت‌های تحسین‌آمیزش ارائه کرده باشد. در سوی مقابل، هم انتخاب ساعد سهیلی از سوی تیم سازنده و هم نقش‌آفرینی این بازیگر باتجربه، یکی دیگر از نقاط قوت فیلم است. قرابت فیزیک این بازیگر به عبدالمالک ریگی، چهره‌پردازی و طراحی لباس فکرشده، در کنار درک بالای سهیلی به درآمدن این نقش کمک بسیاری کرده است. هرچند عده‌ای از صاحب‌نظران به کم‌بنیه‌بودن پیشینه این کاراکتر (Back Story) او انتقاد کرده‌اند که به نظر انتقاد بجایی است، ولی در سوی مقابل نباید از این نکته هم غافل شد که به هر صورت، تماشای آثاری از این دست مبتنی بر حجمی از دانسته‌های قبلی مخاطبان است و در دقایق محدود یک فیلم سینمایی زمان زیادی برای این قبیل جزئیات در اختیار کارگردان نیست. اما فارغ از همه این مسائل، می‌توان با اطمینان خاطر «روز صفر» را یک فیلم جذاب و قابل قبول ارزیابی و علاقه‌مندان سینما را به تماشایش ترغیب کرد.